

همایش علمی مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه رهنورد (استان بلخ، کشور افغانستان) - جهاد دانشگاهی استان تهران))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۱۵۲۱/۳۳۰

تاریخ برگزاری همایش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ شماره مقاله: ۹۵/۱۳۲ رده بندی کنگره: الف ۹۰۳/۷۸۵۵

بررسی و تحلیل محاکم کیفری بین المللی تأثیر گذار

در ایجاد دیوان کیفری بین المللی

دکتر کیوان مرادی زاده

پژوهشگر برگزیده کشور و دارای تدریس پژوهشگر برتر از موسسه قانون یار

چکیده

دیوان کیفری بین المللی اولین نهادی خواهد بود که جهت حفظ ارزش های موجود در نظام جامعه بین المللی به مجازات متخلفین از حقوق بین الملل خواهد پرداخت، و نهادی در جهت حمایت از مصالح و منافع کشور یا افرادی خواهد بود که مورد تجاوز مجرمان بین المللی قرار گرفته اند اما نکته این است که دیوان کیفری بین المللی به این منظور تاسیس شده است که هیچ جنایتی بدون مجازات رها نشود یا از مسئولیت کیفری و مجازاتی که سزاوار آن است معاف و مصون نگردد و عدالت کیفری به نحو موثر اجرا گردد، حال آنکه بعد دیگر موضوع که اشخاص به طور غیرعادلانه محاکمه و مجازات نشوند، شایان توجه و بلکه مهمتر است. به این سان تأسیس یک دیوان کیفری بین المللی تنها راه برای تضمین اعمال یک صلاحیت کیفری بین المللی هدف دار، عینی و بی طرفانه، و در نتیجه تحقق عدالت کیفری و همچنین تنها راه برای جلوگیری از اعمال مجازاتهای گوناگون، متشتت و تبعیض گونه توسط کشورها، و ساز و کاری هدف دار و همه جانبه جهت رسیدگی و تعقیب کیفری مجرمان بین المللی به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: دیوان کیفری بین المللی، محاکم کیفری، حقوق بین الملل کیفری، مجرمان

بین المللی

بخش اول : کلیات

گروهی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که مسئله صلاحیت قضائی در نظم بین‌الملل با مسئله صلاحیت در حقوق داخلی تفاوتی ندارد، در هر دو مورد، غرض، دست یافتن به عدالتی است که تا حد امکان آگاه، سریع و موثر باشد؛ که با این نظر صلاحیت قضایی در مسائل بین‌الملل به یکی از عناصر آن که صلاحیت نسبی باشد، تبدیل می‌شود و مسئله فقط بدین صورت در می‌آید که در چه محلی عدالت باید اجرا شود، چنانکه گوئی همه قضات کیفری جهان صلاحیتی یکسان برای رسیدگی به دعوی دارند اما فلسفه اصلی اینکه تاسیس یک دادگاه باید حاصل یک فرایند قانونگذاری باشد، و نه یک اقدام اجرایی خود سرانه، چیزی جز تضمین اجرای عدالت و رعایت حقوق آحاد بشر نیست (فضائی، همان : ۱۳۷-۱۳۶). دادگاه‌های کیفری بین‌المللی که تا کنون تاسیس شده‌اند را می‌توان از لحاظ مبانی حقوقی تشکیل آنها به سه دسته تقسیم کرد: یک دسته آن محاکمی که بر اساس انعقاد معاهده میان دولت‌ها پدید آمدند، یعنی سند موسس یا اساسنامه آنها معاهده‌ای است که توسط دولت‌ها منعقد گردیده، مانند دادگاه بین‌المللی نورمبرگ و دادگاه بین‌المللی توکیو و دیوان کیفری بین‌المللی، دسته دوم شامل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است که حاصل تصمیم یک سازمان بین‌المللی بوده‌اند، مصادیق این دسته همان محاکم کیفری بین‌المللی ویژه‌است که به وسیله قطعنامه‌های شورای امنیت برای یوگسلاوی سابق و رواندا تاسیس گردیدند، و دسته سوم محاکمی است که از طریق عقد موافقتنامه‌هایی میان یک دولت و سازمان ملل متحد به وجود آمده‌اند، و این دسته، ترکیبی دوگانه (ملی - بین‌المللی) دارند، از این رو آنها را دادگاه‌های مختلط نام نهاده‌اند مانند دادگاه مخصوص سیرائون و شعب ویژه دادگاه منطقه‌ای دلی در تیمور شرقی (همان، ۱۳۹). فکر یافتن

¹. Adhoc

².Yugoslavia

³.Rwanda

راه هایی برای مقابله با جنایات جهانی و مخالف بشریت، تقریباً همیشه با بشر متمدن همراه بوده است، اما علیرغم اینکه افکار و عقاید، زمینه ساز اصلی اعمال و اقدامات محسوب می شوند، تا وقتی به منصبه ظهور نرسیده و آثار ملموس و عینی در سطح جامعه بجا نگذاشته اند واجد فایده نخواهند بود (جعفری، ۱۳۹۰: ۸۶)

بند اول: دادگاه کیفری بین المللی نورمبرگ^۱

تا قبل از تشکیل محکمه نورمبرگ، تکیه حقوق بین الملل برای محاکمه مجرمان بین المللی عمدتاً بر محاکم داخلی کشورها بود، و تشکیل محکمه نورمبرگ و محکمه توکیو نقطه عطف مهمی برای تحولات بعدی در زمینه تشکیل محاکم کیفری بین المللی محسوب می شود (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷: ۲۷). پس از جنگ جهانی دوم و پس از اشغال آلمان به وسیله متفقین، توسط چهار دولت بریتانیای کبیر، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا، که آلمان به آنها تسلیم شده بود به نمایندگی از همه کشورها تشکیل شد و متعاقباً شانزده کشور دیگر حمایت خود را از آن اعلام داشتند (کیتی شیایزری،^۲ ۱۳۸۳: ۴۲-۴۳). در پایان دادرسی دادگاه نورمبرگ که بر اساس منشور دادگاه نظامی نورمبرگ به سه دسته از جرائم شامل: جرائم علیه صلح، جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت رسیدگی می نمود، و از مجموع ۲۲ تن از مقامات آلمانی که در نورمبرگ محاکمه شدند، ۳ نفر تبرئه شدند و ۱۹ نفر گناهکار شناخته شدند (۱۲ نفر از آنان به مجازات مرگ محکوم شدند، ۳ نفر حبس ابد و ۴ نفر به حبس موقت) (صابر، ۱۳۸۸: ۳۱-۳۳)

¹. International criminal Tribunal Nuremberg

². Kittichaisaree

علیرغم اینکه ماده ۱ منشور نورمبرگ، مقرر می کرد که خواندگان یا متهمان باید از یک محاکمه عادلانه و سریع برخوردار شوند، و دادرسی های این دادگاه متهمان از وکیل استفاده نمایند و از مساعدتهای حقوقی بهره مند می شوند، سیستم این دادگاه غیر منصفانه شناخته شده است، زیرا فاقد بسیاری از معیارها و تضمینهای ضروری برای محاکمه عادلانه بود، برای مثال: محاکمه غیابی را تجویز کرد، حق پژوهش خواهی را نپذیرفته بود، محاکمات یکطرفه بود، و مجازات اعدام بکارگرفته شد (فضائلی، همان: ۱۲۳-۱۲۲). به هر حال در غیاب این اصول بین المللی مشخص و معین در خصوص محاکمات کیفری بین المللی تعریف منشور نورمبرگ از جنایات بین المللی نقش مهمی در توسعه حقوق کیفری بین المللی داشت.

بند دوم: دادگاه کیفری بین المللی توکیو^۱

در ژانویه ۱۹۴۶ دادگاه دیگری مشابه دادگاه نورمبرگ در خاور دور (توکیو) و پس از تسلیم بی قید و شرط ژاپن با اعلام حاکم نظامی آمریکایی ژاپن در اجرای اعلامیه پوتسدام، به ویژه اصل ۱۰ آن که متضمن تحقق عدالت مجازات گرا نسبت به مجرمان جنگی ژاپن بود تشکیل گردید (جعفری، همان: ۹۵). و در واقع از لحاظ حقوقی تشکیل و تاسیس دادگاه نظامی بین المللی توکیو نیز که برای رسیدگی به جنایات مجرمان جنگی در بخش خاور دور ایجاد شده بود همزاد دادگاه نورمبرگ و مبتنی بر همین بستر و پیشینه تاریخی است، و اساسنامه آن بر اساس همان مبانی کلی توافقنامه لندن شکل گرفت (رضوی فرد، ۱۳۹۰: ۳۴). در محاکمات دادگاه توکیو ۷ نفر به اعدام، ۱۶ نفر به حبس ابد، یک نفر به حبس ۲۰ سال و دیگری به حبس ۷ سال، محکوم شدند و ۳ نفر هم تبرئه شدند. (میر محمد صادقی، همان: ۲۹) اما در مقایسه بین دادرسی و احکام محاکم نورمبرگ و توکیو، معمولاً رویه محکمه نورمبرگ را بسیار عادلانه تر از محکمه

^۱. International criminal Tribunal Tokyo

^۲. Potsdam

توکیو دانسته اند زیرا محکمه توکیو کاملاً تحت نفوذ حاکم نظامی ژاپن (ژنرال مک آرتور)^۱ و ملاحظات سیاسی وی قرار داشت. (همان) اما مهمترین انتقادی که نسبت به هر دو دادگاه وجود دارد این است که این دادگاه ها، دادگاه های گروه شکست خورده محسوب می شوند (شبث، ۲۰۰۷، ۳۲۴). واز نگاه جامعه ژاپن کسانی که در دادگاه توکیو تعقیب یا محکوم شدند، بیشتر قربانی بودند تا مجرم (مک گلدریک و دیگران، ۲۰۰۷: ۲۱). بنابراین این محاکم نمی توانند راهنمایی برای عدالت کیفری جهانی که مبتنی بر صلاحیت جهانی است باشند، و تنها مشخصه بارز این محاکمات که می تواند در حقوق کیفری جهانی و در جریان تشکیل دیوان کیفری بین المللی در کنفرانس رم قابل استفاده باشد، تقسیم بندی جرایم بین المللی به جرایم علیه صلح، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی بود، همچنین در تاثیر گذاری محاکم نورمبرگ و توکیو بر اصول و هنجارهای حقوق بین الملل علیرغم ایراداتی که به دلیل نداشتن ویژگی های عدالت کیفری واقعی وارد شده، هیچ شک و تردیدی نیست (جعفری، همان: ۹۶).

بند سوم: دادگاه های کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و رواندا (ICTY- ICTR^۵)

در سال ۱۹۹۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس اختیاری که طبق فصل هفتم منشور ملل متحد برای خود قائل می شد و برای تعقیب و محاکمه اشخاص مسئول نقض های شدید حقوق بین المللی بشر دوستانه که از سال ۱۹۹۱ در قلمرو یوگسلاوی ارتکاب یافته بود، اقدام به تاسیس یک دادگاه کیفری بین المللی نمود؛ و پس از آن در سال ۱۹۹۴ شورای امنیت دست به اقدام مشابهی زد و طی قطعنامه ای به تاسیس یک دادگاه کیفری بین المللی دیگر به منظور تعقیب

^۱. McArtor

^۲. Schabas

^۳. McGoldrick and others

^۴. International criminal Tribunal Yugoslavia

^۵. International criminal Tribunal Rwanda

عاملان جنایت نسل‌کشی و ضد بشری در روآندا که اساسنامه آن نیز از مدل دادگاه ویژه یوگسلاوی سابق الگو برداری شد، مبادرت ورزید (فضائلی، همان: ۱۴۲). نحوه رسیدگی در هر دو دادگاه و نیز حق برخورداری از محاکمه عادلانه طبق اساسنامه آنها و نیز آیین دادرسی و ادله که به تصویب قضات دیوان رسیده صورت می‌گیرد و محل استقرار دادگاه یوگسلاوی سابق در شهر لاهه هلند و دادگاه روآندا در شهر آروشا در کشور تانزانیا می‌باشد، و شباهت‌های دیگر این دو دادگاه این است که هر دو ارکان فرعی شورای امنیت محسوب می‌شوند و دارای صلاحیت موازی با محاکم ملی می‌باشند، و قواعد حاکم بر آنها جزئی از قواعد حقوق بین الملل عرفی می‌باشد، همچنین هر دو دادگاه یک دادستان و از قواعد دادرسی و ادله مشابهی برخوردار بودند؛ اما تفاوت دو دادگاه در صلاحیت آنها برای رسیدگی به جرایم خاص و در قلمرو مشخص، و نحوه ترکیب قضات در دو دادگاه می‌باشد (کیتی شیایزری، همان: ۵۸-۵۰). اهمیت این دو دیوان کیفری بین‌المللی در مقایسه با محاکم نورمبرگ و توکیو، در آن است که این دو دیوان از سوی طرفهای پیروز یک جنگ تشکیل نشده بود؛ بلکه از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد که مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برعهده دارد تشکیل شده اند و یک محکمه بین‌المللی واقعی محسوب می‌شوند، زیرا نه تنها برای اجرای فرمان طرف‌های پیروز تشکیل نشد، بلکه، برعکس، بیشتر علیه طرفی که دست برتر در درگیری‌ها داشته است به وجود آمده‌اند؛ لذا این دو دیوان در توسعه حقوق کیفری بین‌الملل و ایجاد مقدمات تشکیل یک دادگاه بین‌المللی کیفری دائمی نقشی انکارناپذیر داشته‌اند (میر محمد صادقی، همان: ۳۵-۳۴). و تجربه اجرای عدالت کیفری بین‌المللی در دادگاه کیفری بین‌المللی برای روآندا را می‌توان، آغاز استفاده از عدالت کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات جنگی و نقض حقوق بشر در آفریقا دانست (نکانش^۲، ۲۰۱۱: ۱۹۳).

^۱. Arosha

^۲. Nkansah

بخش دوم: دیوان کیفری بین المللی (ICC)^۱

ویژگی قابل توجه حقوق کیفری بین المللی ظهور اثرات اجتماعی آن بر بخش ها و فعالیتهای حقوق بین الملل و بویژه بر سیستم های بزرگ حقوقی و نهادهای حقوق بین الملل عمومی، مانند سازمان ملل متحد و دیگر ساز مان های بین المللی است (اندرسون^۲ ۲۰۰۹: ۳۳۱-۳۳۳). به گونه ای که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دهم دسامبر ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر را که در واقع یک قطعنامه است، در شهر پاریس (فرانسه) به تصویب رساند (آقائی، ۱۳۷۶: ۱۵). و یک روز قبل از آن هم، یعنی در نهم دسامبر ۱۹۴۸ کنوانسیون منع و مجازات کشتار جمعی (ژنوسید^۳) را تصویب نمود، و در همان روز به موجب قطعنامه ای، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد را موظف به تهیه و تدوین پیش نویس اساسنامه ای برای تشکیل یک دادگاه کیفری بین المللی نموده بود (میر محمد صادقی، همان: ۳۵). پس از ارائه پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در سال ۱۹۵۲ به اعضای سازمان ملل، با توجه به مخالفت اعضای مهم سازمان با پیش نویس مذکور و پس از بازبینی آن با توجه به آماده نشدن کار تدوین مجموعه جرایم توسط کمیته تدوین، بررسی طرح تاسیس دیوان دایمی تا تکمیل پیش نویس قوانین مسکوت ماند، و با پایان یک برهه زمانی شرم آور در تاریخ بشری، و با ریزش دیوار برلین و از بین رفتن دوران جنگ سرد و جهان دو قطبی، مردم دنیا فرصت تفکر در خصوص مسایل و موضوعات اساسی بشری و برنامه ریزی برای عدالت جهانی را پیدا کردند و پس از تشکیل دادگاه های کیفری ویژه و کمک بسیار زیاد از این دادگاه ها به شکل گیری دیوان کیفری بین المللی، اساسنامه کمیسیون، علیرغم داشتن نکات مثبت و منفی فراوان پس از بررسی موضوعات و

^۱. International criminal court

^۲. International Organizations

^۳. Anderson

^۴. Genocide

نظریات متعدد توسط کمیته ویژه در سال ۱۹۹۶ ارائه گردید، و در این سال کمیته مقدماتی برای ادامه بررسی ها با توجه به نظرات متخصصان از سیستم های حقوقی متنوع تعیین شد و نهایتاً در آوریل ۱۹۹۸ نتیجه نهایی را به مجمع ارائه داد تا پیش نویس اساسنامه جهت طرح در کنفرانس تام الاختیار دیپلماتیک رم ارائه گردد (جعفری، همان: ۱۰۴-۹۶). پنجاه سال پس از اولین اقدام مجمع عمومی یعنی تصویب قطعنامه جهت تهیه و تدوین پیش نویس اساسنامه برای شکل گیری دیوان کیفری بین المللی و در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸، در مقر سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد در شهر رم (ایتالیا) ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی را امضاء کردند، در حالی که ۳۳ سازمان بین الدولی و ۲۳۶ سازمان غیر دولتی نیز در کنفرانس شرکت کرده بودند، که گستردگی تعداد شرکت کنندگان نشانگر تمایل جامعه بین المللی به اجرای عدالت در مورد مرتکبان جنایات شنیعی بود که تا آن تاریخ توانسته بودند با پنهان شدن تحت لوای قدرت برخی از دولت ها و تعارضات موجود بین آنها از دست عدالت بگریزند (میر محمد صادقی، همان). لذا پس از ذکر این شرح مختصر در مورد فرایند شکل گیری اساسنامه دیوان و بیان تعداد محدودی از مبانی عملی شکل گیری دیوان، در ادامه به بررسی سایر موارد در ارتباط با دیوان و اساسنامه آن میپردازیم.

بند اول: اساسنامه ديوان كيفرى بين المللى

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی پس از تصویب در رم مطابق ماده ۱۲۵ آن ابتدا تا اکتبر ۱۹۹۸ در وزارت خارجه ایتالیا در رم و سپس تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰ در سازمان ملل متحد در نیویورک برای امضاء مفتوح بود، و در طول این مدت ۱۳۹ کشور اقدام به امضای آن نمودند و خود را حداقل از لحاظ اخلاقی ملتزم به رعایت اصول و قواعد آن نموده و نباید مرتکب اعمالی مغایر مفاد اساسنامه و ممنوعیت های مذکور در آن گردند. اما طبق ماده ۱۲۶ اساسنامه دیوان، این

اساسنامه از نخستین روز ماه بعد از شصتمین روز از تاریخ تودیع شصتمین سند تصویب، پذیرش، موافقت یا الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد لازم الاجرا خواهد شد، که به فاصله کمی از تصویب اساسنامه، با تقدیم شصتمین سند تصویبی، در اول ژولای ۲۰۰۲ اساسنامه لازم الاجرا گردید و به طور رسمی در سپتامبر ۲۰۰۲ فعالیت عملی خود را با تایید مصوبات کمیته مقدماتی و انتخاب اولین قضات و اولین دادستان آغاز نمود و در سال ۲۰۰۴ اولین ارجاعات توسط کشورهای عضو به دیوان حاصل شد (جعفری، همان: ۱۰۸-۱۰۷). اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم در ۱۳ فصل و ۱۲۸ ماده به همراه یک دیاچه تنظیم گردیده است، و ایناساسنامه با یک سند نهایی که به تاریخچه اقدامات مجمع عمومی سازمان ملل در مورد تاسیس دیوان پرداخته همراه است و دارای ۴ ضمیمه یعنی قطعنامه مصوب کنفرانس رم، اسامی کشورهای شرکت کننده در کنفرانس رم، اسامی سازمان های دولتی شرکت کننده در کنفرانس، و سازمان های غیر دولتی شرکت کننده در کنفرانس نیز می باشد (شریعت باقری، ۲۱:۱۳۹۰). اساسنامه رم ریشه در گذشته دوری دارد و با روند طولانی و سخت تدوینش، هم از بعد هنجارسازی و هم از لحاظ نهادینه، مهمترین سهم را در تحکیم اصول و شکل گیری قواعدی مطمئن و قابل اجرا با درجه کارایی بالا دارد (گریپی، ۱۳۸۳: ۱۸۴-۱۸۵)، با وجود این بسیاری از کشورها برای پیوستن به اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی با موانعی از لحاظ قانون اساسی خود رو به رو هستند که باید راهی برای حل این مشکل بیابند.

بند دوم: ارکان دیوان کیفری بین المللی

دیوان کیفری بین المللی دارای شخصیت حقوقی بین المللی خواهد بود. و دارای اهلیت قانونی لازم برای انجام وظایف و اجرای مقاصد خود می باشد (ماده ۴ اساسنامه دیوان). همچنین دیوان

جزء نهادهای رسمی سازمان ملل متحد نمی باشد، هرچند که سازمان ملل متحد در تشکیل و ادامه حیات آن نقش اساسی داشته و بر اساس ماده ۲ اساسنامه روابط دقیق بین این دو مبتنی بر موافقت نامه همکاری منعقد شده بین آنها است (ماده ۲ اساسنامه دیوان). مقر دادگاه در شهر لاهه کشور هلند می باشد هر چند که محاکمه به موجب ماده ۳ اساسنامه دیوان می تواند در جای دیگری و به نحوی که در اساسنامه مقرر شده است انجام گیرد (ماده ۳ اساسنامه دیوان). دادگاه دارای وظایف قضایی، تحقیقاتی و اداری است و در یک دیدگاه کلی دیوان به دو قسمت قضایی و غیرقضایی تقسیم می شود؛ به این معنا که برخی ارکان دیوان ماهیتی صرفاً قضایی دارند و عده ای دیگر از ارکان دیوان فاقد این خصوصیت می باشند؛ ارکانی که دارای خصلت قضایی هستند عبارتند از: ۱- بخش مقدماتی ۲- بخش بدوی ۳- بخش تجدید نظر ۴- دادسرا، و ارکانی که خصلت اداری یا تصمیم گیری دارند و عبارتند از: ۱- مجمع عمومی دولتها ۲- هیئت رئیسه ۳- دبیرخانه (صمدی، ۱۳۸۶: ۱۵). بخش مقدماتی و بدوی دیوان دارای ۶ قاضی می باشد و در بخش تجدید نظر هم ۵ قاضی حضور دارند که بخش مقدماتی نقش مهمی در مرحله تحقیق و تعقیب دارد و در ارتباط نزدیک با دادستان فعالیت می کند و در واقع واسطه ای بین دادستان و بخش بدوی یا محاکمه است؛ پس از تایید اتهام، هیئت رئیسه، شعبه بدوی را برای ادامه جریان رسیدگی و نهایتاً صدور حکم تشکیل می دهد، پس از صدور حکم در صورتی که پرونده مورد تجدید نظر خواهی واقع شود، شعبه تجدید نظر از کلیه اختیارات شعبه بدوی برخوردار است و می تواند رأی شعبه بدوی را نقض یا اصلاح کرده یا دستور محاکمه جدیدی را در مقابل شعبه دیگری از بخش بدوی بدهد و یا، در صورت تجدید نظر خواهی نسبت به میزان مجازات، مجازاتی را که متناسب تشخیص می دهد تعیین نماید (میر محمد صادقی، همان: ۲۰۹-۲۱۶).

دادگاه کیفری بین المللی مثل دیوان های کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا دارای دادرسانی مستقل می باشد که در رأس آن دادستان و یک یا چند معاون به طور تمام وقت انجام وظیفه می کنند، که با توجه به وظایف مهمی که اساسنامه دیوان و آئین نامه دادرسی و ادله برای دادستان و مجموعه دادرسان ارائه نموده اند معلوم می شود که موفقیت دادگاه در تعقیب مجرمان بین المللی و رسیدگی به پرونده ها تا حد زیادی به عملکرد دادرسان و به ویژه شخص دادستان بستگی دارد، و بنابراین مجمع دولت های عضو باید در انتخاب وی کمال دقت را مبذول نماید (همان : ۲۲۳). مجمع عمومی دولت های عضو، مهمترین رکن بین ارکان غیر قضایی و حتی قضایی است، علاوه بر وظایف و اختیاراتی درباره نظارت بر سایر ارکان، عهده دار مدیریت و تصمیم گیری عالی دیوان نیز می باشد و تمامی دولتهای عضو نماینده ای در مجمع دارند که دارای حق رأی از طرف آن دولت می باشد، و مهمترین وظیفه ای که بر عهده مجمع گذارده شده تصویب رویه دادرسی و ادله اثبات دعوی یا در یک عبارت کلی تصویب طرح کمیسیون مقدماتی است. (صمدی، همان) دبیرخانه دیوان، مسئولیت امور غیر قضایی دیوان را بر عهده دارد که در عین حال واحد شهود و قربانیان را نیز تحت اختیار دارد. و در رأس این رکن دیوان، رئیس دبیرخانه قرار دارد که با رای اکثریت مطلق آراء قضات و با در نظر گرفتن توصیه های مجمع دولت های عضو برای مدت ۵ سال انتخاب خواهد شد و انتخاب مجدد وی برای یک بار بلامانع است (کیتی شیایزری، همان : ۶۹). هیات رئیسه، از رئیس و معاون اول و دوم تشکیل می شود و با اکثریت مطلق آراء قضات برای مدت ۳ سال یا در صورتی که دوره ماموریت آنها قبل از ۳ سال تمام شود تا پایان این دوره انجام وظیفه خواهند کرد و انتخاب مجدد آنان برای یک بار بلامانع است و عهده دار اداره صحیح دیوان به استثنای دادرسان و موارد دیگری مطابق اساسنامه مانند : تعیین قضات شعبه و قضات جانشین و انتقال موقت قضات و... می باشند (ماده

بند سوم: مبانی حقوقی قابل استناد و اجرا در دیوان کیفری بین‌المللی

آنچه در باب مبانی حقوقی در دیوان کیفری بین‌المللی از نگاه این مقاله دارای اهمیت است، ارتباط بحث مبانی با مقوله دادرسی عادلانه است، که این مبانی از یک سو شامل مبانی حقوقی است که برای تشکیل دادگاه ارائه می‌شود و از شروط مقدماتی در دادرسی عادلانه است و از سوی دیگر مبانی حقوقی است که برای انجام یک فرایند محاکمه و مجازات از ابتدا تا انتهای آن پیش‌بینی و تعریف می‌شود و ممکن است بر دامنه حقوق و تصمیم‌های محاکمه عادلانه تاثیر بگذارد، در خصوص مبانی شکل‌گیری در مباحث قبلی صحبت شد و قانونی بودن تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی بررسی گردید، اما میزان اعتبار ماهوی و مبانی حقوقی موجود و قابل اجرا در دیوان که به میزان ابتدای آن بر ارزش‌های بشری و اصول بنیادین جامعه بین‌المللی بستگی دارد، مقصود اصلی می‌باشد. پس از گذشت چندین دهه از شکل‌گیری جدی حقوق بین‌الملل کیفری سخن از منابع این رشته آن قدر تازگی دارد که برخی معتقدند این منابع را می‌توان همزمان منابع داخلی حقوق نیز نامید، و از آنجا که دولت‌ها معمولاً نسبت به حقوق بین‌الملل کیفری در مقابل حقوق کیفری خودشان حساس و بدبین هستند، شاید بتوان گفت با توجه به نوع منابع، برای هر کشور یک ((حقوق بین‌الملل کیفری)) مخصوص و ویژه قابل‌تصور است (رضوی فرد، همان، ۱۳). اما هر مرجع قضائی هنگام صدور رأی و محاکمه و مجازات متهم باید به منابعی استناد نماید و این منابع باید از قبل پیش‌بینی و در قالب قانون یا اساسنامه تدوین و مشخص گردند، که طبق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مبانی حقوقی قابل‌اجرا در دیوان به ترتیب عبارت است از: الف) اساسنامه و آیین‌نامه دادرسی و ادله مربوط به‌دیوان، ب) معاهدات قابل‌اجرا و اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، از جمله: اصول مسلم حقوق بین‌الملل (منازعات مسلحانه، ج) اصول عمومی حقوق که توسط دیوان از قوانین ملی نظام‌های حقوقی جهان استخراج شده باشد و مشروط بر آنکه این اصول مغایر با این اساسنامه و حقوق بین‌الملل و

قواعد و ملاک‌های شناخته شده بین‌المللی نباشد،) علاوه بر این موارد همانگونه که در بند ۲ ماده ۲۱ اساسنامه دیوان پیش‌بینی شده دیوان می‌تواند تفاسیر قبلی خود از اصول و قواعد حقوقی (رویه قضایی) را بکار بندد (ماده ۲۱ اساسنامه دیوان)

الف) اساسنامه دیوان و عناصر جرایم و آیین دادرسی و ادله دیوان

اگر قاعده ای در قالب معاهده در آید، امکان این فرض که قاعده مزبور، بخشی از حقوق بین الملل عرفی محسوب شود، وابسته به تعداد دولت‌هایی است که به عضویت آن معاهده در می‌آیند. در سازمان ملل، ۱۸۵ کشور عضویت دارند و کلیه کشورها منشور سازمان ملل، یعنی قانون اساسی حکومت جهانی را تایید کرده‌اند، و در دیوان کیفری بین‌المللی ۱۲۰ کشور در سال ۱۹۹۸ اساسنامه دیوان را امضاء و تا کنون بیش از ۱۱۷ کشور آن را تصویب نموده‌اند که این خود در گام نخست، به قواعد مندرج در اساسنامه یا منشور، شأنیت جهانی حقوق بین الملل را می‌بخشد (رابرتسون،^۱ ۱۳۸۸: ۱۳۵). اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قبل از هر چیز یک معاهده چند جانبه بین‌المللی است، بدین معنا که شماری از دولت‌ها با یکدیگر توافق می‌نمایند که دادگاهی بین‌المللی مطابق با صلاحیت‌ها و وظایف مذکور در اساسنامه تشکیل گردد و مرتکبین جرایمی را که در اساسنامه آمده است به مجازات برسانند، و ابتدای دیوان بر یک معاهده بین‌المللی واجد این اثر خواهد بود که مقررات مربوط به حقوق معاهدات بر آن حکومت نماید (شریعت باقری، همان: ۲۲). اما هر چند اساسنامه به عنوان یک معاهده بین‌المللی، تابع مقررات تفسیر معاهدات کنوانسیون ۱۹۶۹ وین می‌باشد، لیکن تفسیر اساسنامه، باید تابع اصول و تکنیک - های تفسیر در حقوق کیفری بین‌المللی نیز باشد، زیرا اساسنامه به عنوان یک منبع حقوق کیفری بین‌المللی می‌بایست تابع قواعد مقرر در اساسنامه باشد (آقای جنت مکان، ۱۳۹۰، ۶-۵)، تفسیر اساسنامه و مقررات آن طبق اصول دو نظام حقوق بین الملل عمومی و حقوق کیفری بین‌المللی

^۱Robertson

نتایج متفاوتی را بوجود می‌آورد (شبت، ۱۳۸۴: ۱۰۴). و اساسنامه بعنوان اولین و مهمترین مرجع و منبع برای دیوان محسوب می‌شود و مقررات آن برای دیوان لازم الاجرا می‌باشد. پس از تصویب اساسنامه در رم به موجب قطعنامه ای معروف به قطعنامه F، کمیسیون مقدماتی برای تشکیل دیوان وظیفه پیدا کرد تا پیش نویس عناصر جرایم را تهیه و برای تصویب به مجمع عمومی دولتهای عضو ارائه نماید، که سند عناصر جرایم در سپتامبر ۲۰۰۲ تهیه و تصویب و از همان موقع لازم الاجرا گردید، و این سند همانگونه که از اسم آن پیداست عناصر مادی و روانی جرایم را طبق مواد ۶، ۷، ۸ و ۸ مکرر اساسنامه دیوان تبیین می‌نماید؛ آیین دادرسی و ادله دیوان هم در سال ۲۰۰۲ و در ۲۲۵ ماده تهیه و به تصویب مجمع عمومی رسید، و این آیین دادرسی و ادله قواعد شکلی مذکور در اساسنامه را تکمیل و شفاف می‌سازد و برای همه اعضاء دیوان الزام آور می‌باشد؛ همچنین این آیین‌نامه دادرسی و ادله تحت تأثیر رویه قضایی دیوان‌های اختصاصی تهیه و تدوین گردیده است (آقای جنت مکان، همان). مقررات ماده ۹ اساسنامه دیوان در مورد پیش‌بینی تهیه و تدوین عناصر تشکیل دهنده جرایم در واقع نتیجه سازش میان دو نوع موضوع‌گیری بوده است: دسته‌ای مایل بودند عناصر تشکیل دهنده جرایم برای قضات دیوان الزام آور باشد تا دقت و صراحت قواعد حقوقی اساسنامه بیشتر تامین شود، و دسته عمده دیگر با بستن دست قضات دیوان در تفسیر حقوق بین‌المللی کیفری، مخالفت می‌ورزیدند، نهایتاً در بند ۱ ماده ۹ مقرر شد که عناصر تشکیل دهنده جرایم به دیوان کمک خواهد کرد، و در بند ۳ شرط عدم مغایرت با مقررات اساسنامه گنجانده شد. و در خصوص آیین دادرسی و ادله نیز بند ۵ ماده ۵۱ اساسنامه دیوان به صراحت اعلام می‌دارد که در صورت تعارض میان اساسنامه و این مقررات، مفاد اساسنامه حاکم است (کیتی شیایزری، همان: ۱۱۰) و در بند ۱ ماده ۲۱ اساسنامه دیوان بر این موضوع تأکید شده است که دیوان در وهله اول این اساسنامه و آیین

۱. Schabas

نامه دادرسی و ادله مربوط به آن را اجرا خواهد کرد، که بیانگر اهمیت و جایگاه ویژه اساسنامه در نزد همه اعضای دیوان و جامعه بین المللی می باشد.

ب) معاهدات قابل اجرا و اصول و قواعد حقوق بین الملل

حمایت و رعایت حقوق بشر به طور کلی، مستلزم شناخت این حقوق و اجرای آن بر اساس اسناد حقوقی معتبر ملی و بین المللی است، و رعایت و ارتقای جایگاه این حقوق در هر کشوری، دل نگرانی مشروع همه ملل جهان است، گرچه در خصوص برخی نکات مربوط به اجرای آن اختلاف عقیده وجود دارد و گفته می شود، تحمیل حقوق بشر به شرح مندرج در اسناد و معاهدات بین المللی موجود نوعی استعمار نوین فکری، حقوقی و سیاسی است، اما این اختلاف چندان عمیق نیست و اصول اساسی حقوق بشر به عنوان دستاورد مجموعه فرهنگ و تمدن بشری مورد پذیرش همه نظام های فکری که خواستار شکوفائی استعداد انسان بدون مانع می باشند، است. (آقائی، ۱۳۷۶: ۴) در حقوق بین الملل هر پیمانی که میان تابعان نظام بین المللی یعنی اعضای جامعه بین المللی بسته می شود، معاهده است، و معاهدات به دو دسته معاهدات سیاسی و معاهدات حقوقی تقسیم می شوند، که اساسنامه دیوان هم یک معاهده حقوقی به شمار می رود (آقایی جنت مکان، همان، ۷). اصولاً معاهدات بین المللی فقط طرف های خود را متعهد و ملتزم می سازد و اثری نسبت به ثالث ندارد، با این حال اگر مقررات موجود در معاهده ای در معاهده ای دیگر به طور یکنواخت تکرار گردد، امکان ایجاد یک قاعده عرفی عام خواهد بود، و چنین قاعده ای مسلماً نسبت به ثالث نیز اثر خواهد داشت. بنابراین هر گونه توافق حقوقی بین المللی می تواند سابقه ای برای ایجاد یک قاعده عرفی بین المللی باشد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۴، ۱۷۳) منظور از معاهدات بین المللی، معاهدات دو یا چند جانبه است. که تعیین شمار دقیق معاهدات بین المللی قابل اجرا امری دشوار می نماید، اما برخی از این معاهدات بین المللی که در زمره مهمترین منابع حقوق کیفری بین المللی به شمار می روند و طبق ماده ۲۱ اساسنامه دیوان و ماده

۱۰۳ آیین دادرسی و ادله دیوان در دیوان قابل اجرا هستند، عبارتند از: کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه، کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی مصوب ۱۹۴۸، کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی ۹۷۷، منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی منضم به منشور ملل، کنوانسیون منع شکنجه ۹۸۴، و معاهداتی در زمینه رفتار با زندانیان (آقایی جنت مکان، همان). اما در خصوص اصول و قواعد حقوق بین‌الملل باید گفت هر چند اصول و قواعد کلی حقوقی یکی از منابع مستقل و مستقیم حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد، لیکن حدود تاثیر و قابلیت اجرایی آن بمراتب کمتر از معاهده و عرف است، و بر همین اساس، این اصول در صورتی نقش سازنده ای ایفا می‌نماید که با یک قاعده معاهده ای یا عرفی بنیادین حقوق بین‌الملل مواجه نگردد و مغایرتی با آنها نداشته باشند، در غیر این صورت، برتری آن قاعده معاهده‌ای یا عرفی نسبت به اصل کلی حقوق واضح است (ضیائی بیگدلی، همان، ۱۸۲). اما اصول کلی حقوقی به رسمیت شناخته شده در حقوق بین‌الملل بسیار گسترده‌اند و ارائه فهرستی از این اصول دشوار است، ولی اصول کلی حقوقی به رسمیت شناخته شده در حقوق بین‌الملل را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود: یکی اصول حقوق بین‌الملل عمومی و دیگری اصول حقوق کیفری بین‌المللی (کسسه، ۱۳۸۵: ۲۸). که در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی هر دو دسته وجود دارند. اما ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ۴ گانه ژنو در میان مقررات این کنوانسیون‌ها جایگاه ویژه ای دارد، و به لحاظ محتوا بیان‌کننده حقوق بین‌المللی عرفی است، و امروزه کمترین تردیدی در مورد عرفی و آمره بودن قاعده مذکور در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو وجود ندارد، و دیوان بین‌المللی دادگستری در رای مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۶، در قضیه نیکاراگوئه تصدیق کرد که اصول بشر دوستانه‌ای مستقل و جدای از حقوق عهدنامه‌ای، در ماده ۳ مشترک وجود دارد که در هر محاصمه‌ای اعم از بین‌المللی و یا داخلی باید اجرا شود،

که این ویژگی، یعنی در برداشتن حداقل قواعد بشر دوستانه، در چهارچوب حقوق بین الملل عرفی، و دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق، با صراحت اظهار می دارد که این قواعد باید در همه حال رعایت شوند، و بی هیچ تردیدی اصول بنیادین حقوق بشر دوستانه، یعنی همان که ماده ۳ مشترک مقرر کرده است، جزیی از قواعد آمره حقوق بین الملل است؛ و اهمیت این اصول سبب شد تا در ماده ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نفوذ پیدا کند و به صراحت به عنوان یک حقوق قابل اجرا در اساسنامه دیوان طرح و تصویب گردد (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۶ : ۴۱-۴۳). اما تفاوت اساسی بین ماده ۲۱ اساسنامه دیوان و ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری این است که در ماده ۲۱، عرف به عنوان یکی از منابع حقوق کیفری بین المللی شناخته نشده است، زیرا عرف به عنوان یکی از منابع حقوق بین الملل جهت حل و فصل اختلافات دولت ها به کار می رود، در حالی که منابع حقوق کیفری بین المللی به جرم انگاری رفتار می پردازند، البته، بعد از لازم الاجرا شدن اساسنامه دیوان، به لحاظ نبودن نهاد قانون گذار جهانی، حقوق عرفی هنوز نقش مهمی را در حقوق کیفری بین المللی ایفا می نماید (آقای جنت مکان، همان).

ج) اصول عمومی حقوق، مستخرج از قوانین ملی نظام های حقوقی جهان

این منبع سوم که در ماده ۲۱ اساسنامه دیوان بند ۱ (ج) مطرح گردیده است به دیوان اجازه می دهد با الهام گرفتن از رویه قضایی محاکم ملی در زمینه امور کیفری، از دست آوردهای نظام های حقوقی گوناگون جهان سود جوید، و این یک ابزار تمثیلی تفسیر است، برای مرتفع ساختن خلاهای موجود در دو منبع قبل، همانگونه که در ابتدای بند، عبارت، در غیر این صورت قید گردیده است (کیتی شیایزری، همان). منظور از اصول کلی یا عمومی حقوق در این ماده با اصول کلی حقوق کیفری بین المللی و اصول کلی حقوق بین الملل تفاوت دارد و منظور از اصول کلی حقوق در ماده ۲۱ اساسنامه دیوان بند ۱ (ج) اصولی هستند که به طور کلی در حقوق

ملی شناخته شده است (کسسه، ۱۳۸۷: ۱۸۸). اما اصول حقوقی‌ای که در نظام‌های حقوقی کارآمد به رسمیت شناخته شده است و به اتفاق آراء اجرا می‌شوند برای ارتقا به سطح حقوق بین‌الملل، نامزدهای مهمی به شمار می‌روند، و در واقع قوانین اساسی ملل متمدن، متضمن مجموعه حقوقی است که بدان وسیله، بسیاری از آزادیهای مدنی مندرج در اعلامیه جهانی را به رسمیت می‌شناسد (رابرتسون، همان: ۱۳۹-۱۳۸) و اصول کلی حقوق ملی در صورتی می‌تواند در دادرسی‌های بین‌المللی به کار گرفته شوند که با ویژگی‌های اصلی نهادهای حقوقی جامعه جهانی هماهنگی داشته باشند (کسسه، ۱۳۸۵: ۲۹۴). و وظیفه استخراج اصول کلی حقوق از قوانین داخلی کشورها طبق ماده ۲۱ اساسنامه دیوان به عهده خود دیوان می‌باشد، و اساسنامه دیوان برای تسهیل این وظیفه دشوار راه حلی را پیش‌بینی نموده است که در بند (۸) (الف) ماده ۳۶ اساسنامه دیوان ذکر گردیده و مقرر می‌دارد ((در انتخاب قضات برای عضویت در دیوان، دولت‌های عضو ضرورت‌های زیر را مدنظر قرار خواهند داد:

۱- نمایندگی نظام‌های اصلی حقوقی جهان: ۲-...))، که تهیه‌کنندگان اساسنامه دیوان خواسته‌اند با تأمین حضور نمایندگان از نظام‌های اصلی حقوقی جهان دستیابی به اصول کلی حقوقی ملی را امکان‌پذیر سازند (آقای جنت‌مکان، همان: ۱۷) علی‌الاصول اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصویر مدلی خاصی از سیستم کیفری یک کشور معین را ارائه نمی‌کند، بلکه قوانین کیفری خود را از کنوانسیون‌های متعدد، عرف بین‌المللی، و رویه متداول در سیستم‌های مختلف حقوقی اتخاذ کرده است. البته تاثیر منطق حقوقی حاکم بر دنیای غرب، به صورت آشکاری از لابلای مواد آن پیداست (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ۲۰۲). و مقررات مجازات در اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی ترکیبی از ویژگی‌های موجود در سیستم‌های حقوقی نظام حقوقی عرفی (کا

من لا^{۱)} و حقوق نوشته (سیویل لا^{۲)} و حوزه های قضایی نماینده آنها می باشد(هول^{۳)}، ۲۰۰۷:۲۶۴). و این دو نظام به همراه نظام حقوقی سوسیالیستی، سه خانواده اصلی موجود در جهان معاصرند، و هیچ حقوقی در جهان نیست که پاره ای از عناصر خود را از یکی از این خانواده ها نگرفته باشد، بعضی گمان دارند نظام های دیگر جز بقایایی از گذشته نیستند که با پیشرفت تمدن در آینده، نابود خواهند شد، لیکن این نظر زائیده عقیده خود برتر بینی ساده لوحانه غربی است، و در مورد برتری همه جانبه غرب نظرها بسیار متفاوت است، و جهان اسلام، هند، خاور دور، آفریقا به هیچ وجه این برتری را بدون قید و شرط نپذیرفته اند و تا حد وسیعی به طرز فکری و فادار مانده اند که به موجب آنها حقوق طور دیگری دیده می شود، یا اینکه نقشی کاملاً متفاوت از غرب ایفا می کند، و بدون در نظر گرفتن این واقعیت، هیچ نمودار واقع-بینانه ای درباره نظام های حقوقی معاصر نمی توان ترسیم کرد(داویدو اسپینوزی، همان: ۴۰-۲۸) به هر حال اصولی که از قوانین ملی نظام های حقوقی استخراج می شود در صورتی در دیوان کیفری بین المللی قابلیت اجرا دارد که، این اصول با مقررات اساسنامه و حقوق بین الملل و قواعد و ملاکهای شناخته شده بین المللی، مغایر نباشد. (ماده ۲۱ اساسنامه دیوان)

(د) تفاسیر قبلی دیوان از اصول و قواعد حقوقی (رویه قضایی)

بند ۲ ماده ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی بدون اینکه الزام و تکلیفی را مطرح نماید، به دیوان اختیار آن را داده است که از رویه قضایی پیشین خود پیروی نماید. و هدف از بند ۳ ماده مذکور در اساسنامه دیوان علاوه بر ارائه یک دستورالعمل کلی برای انطباق و موافقت عملکرد دیوان با هنجارها و ضوابط حقوق بشر، اعلام ممنوعیت تبعیضات ناروا بوده است(کیتی

شیایزری، همان: ۱۱۱). در تمامی نظام‌های بزرگ حقوقی توسل به آراء و رویه قضایی یکی از منابع حقوق شناخته می‌شود، این مسئله در نظام حقوقی کاملاً ارزش بیشتری دارد، زیرا در نظام حقوقی کاملاً، حقوق، ساخته دست قضات است و حقوق مبتنی بر آراء قضایی است (آقایی جنت مکان، همان: ۱۸) و آراء قضایی در کشورهای حقوق نوشته یارومی ژرمنی عادتاً جز نقشی ثانوی و فرعی ایفا نمی‌کنند، و کدروستنین اعلام می‌دارد:

((حکم دادگاه باید مبتنی بر قانون باشد نه وقایع دعوی))، البته تصمیمات قضایی می‌توانند نوعی اعتبار داشته باشند؛ ولی آنها، جز در موارد استثنایی، تعیین‌کننده قواعد حقوقی تلقی نمی‌شوند (داویدو اسپینوزی، همان: ۲۱۷) و نقش رویه قضایی در کشورهای خانواده رومی ژرمنی را جز در ارتباط با نقش قانون نمی‌توان به دقت تعیین کرد. لذا از آنجا که حقوقدانان همه این کشورها، در حال حاضر تمایل به آن دارند که به یک متن قانونی استناد کنند، نقش سازنده رویه قضایی، همیشه یا تقریباً همیشه، زیر پوشش تفسیر قانون مخفی می‌شود، و عدول حقوقدانان از این عادت و اینکه قضات به صراحت اختیار خود را در ایجاد قواعد حقوقی بشناسند امری نادر است و در روش خود مبنی بر تبعیت از قانون در همه اوقات پافشاری می‌کنند؛ حتی هنگامی که قانونگذار این حقیقت را صریحاً بشناسد که، قانون ممکن است همه چیز را پیش بینی نکرده باشد (همان، ۱۲۷). رویه قضایی مداوم و پایدار تنها با صدور یک تصمیم حاصل نمی‌شود؛ و بیشتر ناشی از تکرار تصمیمات در یک سمت و سوی واحد و به صورت مستمر و پایدار می‌باشد؛ و اگر محاکم در باب یکی از مسائل حقوقی روش یکسانی را در پیش گیرند و آرای راجع به آن مسأله چنان تکرار شود که بتوان گفت، هرگاه آن محاکم با چنین دعوایی رو به رو شوند، همان تصمیم را خواهند گرفت، در این صورت می‌توان ادعا کرد که رویه قضایی شکل گرفته است (رضانی قوام آبادی، ۱۳۹۱: ۱۳۱-۱۳۰). به نظر می‌رسد بند ۲ ماده ۲۱ اساسنامه

دیوان کیفری بین المللی تحت تاثیر قواعد نظام کامن لا درخصوص قاعده سابقه بوده است ؛ لیکن بر خلاف حقوق کشوری مثل انگلیس که الزام به تبعیت از آراء قضایی وجود دارد در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی این الزام وجود ندارد، و در واقع این ماده یک نوع سازش بین رویکرد نظام کامن لا به تصمیمات قضایی به عنوان یک سابقه الزام آور و نظام حقوق نوشته که در آن اظهارات قضایی تنها در برخی موارد خاص برای طرفین دادگاه الزام آور است، می باشد (آقای جنت مکان، همان).

نتیجه گیری

در یک نگاه کلی دریافتیم که روند تحقق عدالت کیفری بین المللی در شناسایی و رعایت معیارها و تضمینهای مربوط به محاکمه و مجازات عادلانه، که در بردارنده همه معیارهای شناخته شده در حقوق داخلی کشورها، حقوق بین الملل و حقوق بشر باشد، هر چه جلوتر می رود، سیری تکاملی را طی می نماید. و تأسیس دیوان کیفری بین المللی، تنها راه برای تضمین اعمال یک صلاحیت کیفری بین المللی هدف دار، عینی و بی طرفانه و در نتیجه، تحقق عدالت کیفری، و همچنین تنها راه برای جلوگیری از اعمال مجازات های گوناگون، متشتت، و تبعیض گونه توسط محاکم کیفری بین المللی موردی یا ویژه ای است که تشکیل می شود؛ و دارای سازوکاری هدف دار و همه جانبه جهت رسیدگی و مجازات مجرمان بین المللی می باشد. سیستم دیوان کیفری بین المللی برای رسیدن به اهداف و آرمان های خود در تعیین مجازات برای مجرمان بین المللی، به گونه ای که مورد قبول اعضای جامعه بین المللی و کشورهای عضو آن باشد ملاک ها و معیارهای مختلفی را در ارتباط با یک محاکمه جزایی منصفانه و عادلانه، در مقررات قابل استناد خود پیش بینی نموده است، تا بتوانند شکافی را که از ناتوانی دادگاه های داخلی در رسیدگی به پرونده های کیفری بین المللی ناشی می شود، پُر نماید.

سیستم محاکمه و مجازات در دیوان کیفری بین المللی، برگرفته از قوانین و مقررات یک نظام حقوقی خاص نمی باشد، و تدوین کنندگان مقررات آن سعی نموده اند که از نقاط مشترک همه نظام های حقوقی معتبر دنیا برای تنظیم اساسنامه استفاده نمایند و اگر چه در تحلیل و ارزیابی اساسنامه ملاحظه می شود که در کنار همه ویژگی های مثبت با چالش هایی روبرو است، اما به درستی پیداست که نقاط ضعف و قوت دیوان و اساسنامه آن و موانع فرا روی سیستم محاکمه و مجازات آن در پس عملکرد و حوزه عمل دیوان مشخص خواهد شد، و این موارد، جدای از ویژگی مربوط به اساسنامه، تحت تأثیر شرایط مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته است، و فرآیند محاکمه و مجازات در دیوان را تحت تأثیر قرار داده اند.

منابع وماخذ

الف) منابع فارسی

- _ ابراهیمی، علیرضا، ۱۳۹۰، حقوق جزای بین الملل، قم، انتشارات آیین احمد.
- _ ابراهیمی، نصراله، ۱۳۸۹، درآمدی بر تأسیس دیوان کیفری بین المللی و ارزیابی اساسنامه آن، مجله حقوقی، شماره ۲۳.
- _ اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۳، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، جلد نخست.
- _ اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۸۴، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، جلد دوم.
- _ آقای جنت مکان، حسین، ۱۳۸۷، نظارت قضائی بر تشخیص دادستان دیوان بین المللی کیفری، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۹.
- _ آقای جنت مکان، حسین، ۱۳۹۰، دفاعیات در حقوق کیفری بین المللی، فصلنامه حقوق، دوره ۴۱، شماره ۳.
- _ آقای جنت مکان، حسین، ۱۳۹۰، مفهوم حقوق قابل اجرا در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، شماره دوم.
- _ امیدی، جلیل، ۱۳۷۹، حقوق بشر در دعاوی کیفری براساس اسناد بین المللی و منطقه‌ای، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۹.
- _ بابایی، کوروش، ۱۳۸۹، وظایف و اختیارات دادستان دیوان کیفری بین المللی، مجله تعالی حقوق، شماره ۶.

__ پرادل، ژان؛ کورستنز، گرت، ۱۳۸۶، حقوق کیفری اروپایی، ترجمه محمد آشوری، تهران، انتشارات سمت، جلد اول.

__ پروین، فرهاد، ۱۳۷۹، دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۴-۱۵۳.

__ پوربافرانی، حسن، ۱۳۹۱، حقوق جزای بین الملل، تهران، انتشارات جنگل.

__ جعفری، فریدون، ۱۳۹۱، تقابل سیاست و عدالت در اساسنامه رم، فصلنامه حقوق، دوره ۴۲، شماره ۳.

__ جوانمرد، بهروز، ۱۳۸۹، دیوان کیفری بین المللی؛ پایان یلدای مصونیت جنایتکاران، ماهنامه قضاوت، شماره ۶۶.

__ حبیب زاده، محمدجعفر، اردبیلی، محمدعلی؛ جانی پور، مجتبی، ۱۳۸۴، قاعده منع محاکمه و مجازات در حقوق کیفری بین المللی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه حقوق، بهار ۸۴.

__ فضائی، مصطفی، ۱۳۸۹، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی، تهران، انتشارات شهر دانش.

__ فلاحی، احمد، ۱۳۸۵، عوامل موثر بر مسئولیت کیفری (در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و حقوق کیفری ایران)، تهران، دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی.

__ فلاحیان، همایون، ۱۳۸۵، پیامدهای الخاق جمهوری اسلامی ایران به دیوان بین المللی کیفری

از بُعد جنایات مندرج در اساسنامه دیوان، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی

معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۵.

__ کسسه، آنتونیو، ۱۳۸۵، حقوق بین الملل، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران، نشر میزان.

__ کسسه، آنتونیو، ۱۳۸۷، حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین پیران و دیگران، تهران، انتشارات جنگل.

__ کیتی شیایزری، کریانگ ساک، ۱۳۸۳، حقوق بین المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران، انتشارات سمت.

__ گرکاو، سام، ۱۳۸۸، بزه دیدگان در دادگاه کیفری بین المللی، ترجمه حیدر فرهمندفر، مجله تعالی حقوق، شماره ۳.

(ب) منابع لاتین

- Abtahi, Hira and Arriggkoh. steven, (2012), The Emerging Enforcement practice of the international criminal court, cornell international Law Journal , vol. 45.
- Akhavan, payam, (2010), whiter National court? The Rome statutes missing Half Towards an Express and Enforceable obligation for the National Repression of international crimes, Journal of International criminal Justice (J.I.C.J), vol.8, ISSue. 5.
- Almqvist, Jessica, (2006), The Impact of cultural Diversity on internationalcriminal proceeding, J.I. C. J, Vol.4, ISSue. 4.
- Anderson, Kenneth, (2009), The Rise of International criminal Law: Intended and unintended consequences, European Journal of International law, vol. 20, Issue. 2.

- Ashworth , Andrew, (1992), Principles of criminal Law, oxford, clarendon press.
- Beresford, Stuart, (2005), child witnesses and The International criminal Justice system Does The International criminal court protect the most vulnerable? J.I.C.J, vol. 3, ISSue. 3.
- Dannenbaum, Tom,(2010), The International criminal court, Article 79, and Transitional Justice: The case for an Independent Trustfund for victims, Wisconsin International Law Journal, vol. 28.
- Hoel, Adrian, (2007), The sentencing provisions of the International criminal court: common Law, civil Law, or Both?, Monash university Law Reviw, vol.33.
- Mantovani, ferrando, (2003), The General Principles of International criminal Law: the viewpoint of a National criminal Lawyer, J.I.C.J, vol. 1, Issue.1.
- Mccarthy, conor, (2012), victim Redress and International criminal Justice competing paradigms, or compatible forms of Justice?, J.I.C.J, vol.10. Issue. 2.
- McDonagh, maeve, (2013), The Right to Information in International Human Rights Law, oxford Journal Law, Human Rights Law Review, vol. 13, Issue.1.
- Mc Goldrick, Dominic, Row. Peter and Donnelly.Eric, (2004), The permanent international criminal court: Legal and policy, oxford, Hart Publishing.



دانشگاه جهاد

Academia.edu

TBPN.com

CiteFactor

Symposia

REF.IR

DRJI

CIVILICA

CONF PAPER

ESJI

WORLD OF JOURNALS

Bahamayash.com

sciencealert

easyPapers

INDEX COPERNICUS

کنفرانس یاب

www.conferenceyab.ir

جهاد

تقویت رزومه

داوطلبان آزمون دکتری

اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دیرخانه: تهران، میدان انقلاب،

خیابان آردیبهشت، پلاک ۱۹۲

واحد پذیرش مقالات:

۵۲۶ و ۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۲۱

واحد صدور گواهی نامه:

۸۴ و ۴۴۴۴۱۷۶۴ - ۲۱

مشاور و راهنمای ارسال مقالات:

۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ - ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

www.Ghanonyar.ir

www.Olomensani.ir

موسسه قانون پار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه های داخلی و خارج از کشور همچون مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir (دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان) (موسسه بین المللی icsi world of journals/ورشو/لهستان) (انجمن علمی بین المللی citefactor/فینیکس/آریزونا) برگزار می کند:



همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش های اجتماعی

۱۳ خرداد ۱۴۰۰ - تهران

محورها و همایش:

- * مقالات در گرایش های حقوق خصوصی، حقوق جزا
- * حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و ...
- * مقالات در گرایش های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش های ارسال مقالات به همایش:

- * ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com
- * ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲



به ده مقاله برتر و برگزیده همایش، ده تقدیریه به همراه تقدیرنامه مخصوص اعطا می گردد. به مقالات ارسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می گردد. تمامی مقالات همایش در پایگاه ها و سایت های ملی و بین المللی نمایه و درج می گردد. داوری مقالات حداکثر سه روز می باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می شود.